

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يَصْدِرَ الرَّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ * فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ»^۱.

شیعه پژوهی در دهه های اخیر با گام هایی بلند پا به عرصه هایی نو نهاده است. دامن گستراندن این پژوهش ها به موضوع های نو و شناخت چهره ها، نوشته ها و جریان های کمتر شناخته شده از یک سو و به کارگیری روش های پژوهشی نو و چیرگی تدریجی رویکرد مسئله محوری و معطوف شدن مطالعات و پژوهش ها به انبوه پرسش های نوپدید از سوی دیگر، سیر تحول شیعه پژوهی را به موضوعی شایسته درنگ و ژرف کاوی تبدیل کرده است. در این میان، تاریخ تشیع و تاریخ شیعیان را باید بی گمان در شمار پهنه هایی شمرد که ضمن تأثیرپذیری از شیعه پژوهی نوین از رویکردهای نو در تاریخ پژوهی هم متأثر بوده است.

فرود آمدن پرنده تاریخ پژوهی — که فراز قله ها جولانگاه آن بود — به دامنه کوه و جانشین ساختن، یا دست کم همنشین کردن توده های مردم با قهرمانان و نخبگان در رقم زدن رویدادهای تاریخی را که به آن تاریخ اجتماعی گفته می شود، می توان مهم ترین تحول در رویکردهای تاریخی دوران معاصر برشمرد. تاریخ اجتماعی شیعیان، زاده پیوند این دو نگاه است.

نخستین ظهور رسمی تاریخ اجتماعی شیعیان در محیط های دانشگاهی کشور، به احتمال به اختصاص یافتن دو واحد درسی بدین موضوع در برنامه و سرفصل درس های رشته تاریخ تشیع در مقطع کارشناسی ارشد بازمی گردد که در سال ۱۳۸۳، به پیشنهاد دانشگاه امام صادق علیه السلام به

تصویب وزرات علوم، تحقیقات و فناوری رسید و در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵، در قالب اجرای این برنامه به دانشجویان ارائه شد. مدیریت کلاس در هر دو نوبت بر عهده نگارنده بود. اجرای برنامه تاریخ تشیع در مقطع کارشناسی ارشد از سوی برخی مؤسسات آموزش عالی قم، سبب شد که از همان سال نخست ورود نگارنده به شهر قم در سال ۱۳۸۵، در عمل، درگیر ارائه این درس بلشم. نگارش چند مقاله و ایراد چند سخنرانی و راهنمایی چند پایان‌نامه و رساله، با بن‌مایه تاریخ اجتماعی شیعیان — که هنوز هم ادامه دارد — و استقبال نسبی طلاب و دانشجویان از این قلمرو مطالعاتی و پژوهشی جدید، انس مرا با مقوله تاریخ اجتماعی شیعیان بیشتر کرد و پیوندم را با آن استوارتر ساخت و بر همین پایه، دعوت دوستان گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در سال ۱۳۹۰، را برای تدوین متنی در این زمینه به عنوان پاسخ به یک نیاز بر خود فرض دانستم. آنچه پیش روی شماست ره‌آورد مطالعات و تأملاتی است که در هفت سال گذشته تاکنون به کندی و گاه با درنگ‌هایی طولانی صورت بسته است.

توضیحاتی چند بند ذیل می‌توانند روشنگر پاره‌ای ابهام‌ها باشند:

— این کتاب همان‌گونه که نام آن حکایت دارد، درآمدی است برای یک کار گسترده در زمینه تاریخ اجتماعی شیعیان و وظیفه خود را تنها بیان مفاهیم و کلیات این موضوع تعیین کرده است. این کتاب به سان المقدمه است برای العبرِ زیست اجتماعی شیعیان در گذر تاریخ. پس آنچه به‌ویژه درباره عوامل، مؤلفه‌ها و منابع تاریخ اجتماعی شیعیان در این کتاب آمده، حتماً باید با این سطح انتظار دآوری شود.

— درهم‌تندگی مباحث عمومی تاریخ اجتماعی با تاریخ اجتماعی شیعیان در این کتاب، امری گریزناپذیر است. با توجه به اینکه هنوز متون ناظر به این حوزه مطالعاتی در زبان فارسی بسیار اندک‌اند، به ناچار نخست باید مفاهیم عمومی آن توضیح داده شده، سپس بر تاریخ اجتماعی شیعیان تطبیق داده می‌شد. ارائه این مطالب در دو بخش یا حتی یک کتاب مستقل از هم، ناگزیر به تکرار بخشی چشمگیر از مطالب می‌انجامد و انهادن مباحث عمومی تاریخ اجتماعی نیز بی‌تردید ابهام‌هایی فراوان را به دنبال داشت.

— منابعی که در این کتاب به آنها ارجاع داده شده، به‌آسانی می‌توانست تا دو و حتی چند برابر افزایش یابد؛ به دو سبب چنین نشد: پرهیز از افزوده شدن حجم کتاب و دوری جستن از آوردن مطالبی کم‌فایده برای دانشجویان، به‌ویژه در روزگار ما که شناسایی منابع و ارجاع به آنها دشواری دهه‌های پیشین را ندارد.

- در این اثر، برای ارجاع به منابع انگلیسی و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی به کمترین حد ممکن بسنده شده است، از آن روی که گمان برده می‌شد مخاطبان کتاب، بیشتر دانشجویان جوانی هستند که توان اندکشان برای مراجعه به منابع انگلیسی و استفاده مستقیم از آنها را باید به عنوان یک واقعیت فهم کرد و توان بالایشان برای مراجعه به منابع اینترنتی و جستجوی آسان در آن را هم نباید از نظر دور داشت.

- این اثر می‌توانست با انبوهی از تصاویر، به‌ویژه در فصل مربوط به مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی شیعیان همراه باشد. دشواری‌های انتشار تصویر خوب و روشن در کتاب‌های غیر نفیس بر اهل فن پوشیده نیست، بر این اساس، امکان‌سنجی بهره بردن از تصویر، به ویرایش‌های بعدی کتاب موکول شد. شایسته است استادان بزرگواری که از این متن برای تدریس استفاده می‌کنند، به تشخیص خود از تصاویر مناسب بهره ببرند و چه ستودنی خواهد شد اگر همه این تصاویر در یک پایگاه اطلاع‌رسانی به اشتراک گذاشته شود.

- چینش مطالب کتاب تابع نظمی است که نگارنده توان دفاع از آن را دارد، وگرنه، چینی‌شی متفاوت هم از سوی داور محترم کتاب پیشنهاد شده بود که اگر به آن عمل می‌شد اکنون این محتوا جامه‌ای دیگر به تن داشت.

- روش ارجاع‌دهی کتاب و تنظیم فهرست منابع تابع شیوه‌نامه‌ای است که از سوی ناشر محترم معتبر شمرده شده است. رویه متعارف در پاره‌ای از نهادهای پژوهشی تفاوت‌هایی با این شیوه ارجاع دارد. به‌ویژه درباره ارجاع به دائرةالمعارف‌ها و دانشنامه‌ها، نظر برخی عزیزان در مرحله پایانی و پس از صفحه‌بندی این بود که نام نویسندگان مدخل‌ها هم افزوده شود. این امر چون در برخی موارد به تغییر صفحه‌بندی کتاب می‌انجامید، به چاپ‌های آینده موکول شد. اگر قرار بر سپاسگزاری از همه کسانی باشد که سهمی در این وجیزه دارند، باید سیاهه‌ای بلندبالا نگاشته شود؛ که شدنی نیست، پس باید تنها از کسانی نام برد که نام نبردن از آنها جفاست: سرکار خانم فرشته کوشکی، به‌ویژه برای استخراج تعریف‌های تاریخ اجتماعی از منابع گوناگون، حجت‌الاسلام آقای سیدمحمد مهدی موسوی‌نیا، برای تکمیل ارجاعات فصل اول و دوم، سرکار خانم راحله ضائفی، برای برطرف کردن کاستی‌های فهرست منابع، آقای اسماعیل یارمحمدی برای پیگیری‌های اداری، روخوانی نهایی متن و استخراج نمایه‌ها، حجت‌الاسلام والمسلمین آقای رمضان محمدی، مدیر محترم گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و همکاران خدوم و دلسوز در مدیریت پژوهشی و گروه تاریخ سازمان سمت و نیز دفتر

همکاری‌های این سازمان در قم برای همه محبت‌هایی که از آغاز کار تاکنون داشته‌اند. از آقای دکتر داریوش رحمانیان باید جداگانه نام ببرم که زحمت داوری این کتاب را به سفارش پژوهشگاه حوزه و دانشگاه فروتنانه پذیرفت و با بیان تذکراتی راهگشا، عالمانه و هوشمندانه همراه با یک دنیا صفا و همدلی، مرا رهین دانش و ادب خود ساخت. خدایش و خدایشان گرامی بدارد و سربلند کناد.

دو داور منتخب سازمان سمت، آقای دکتر ابراهیم موسی‌پور بشلی (پیشتازی ایشان در سامان علمی یافتن مطالعات تاریخ اجتماعی را باید همواره به یاد داشت و بدان بها داد) و سرکار خانم دکتر لیلا نجفیان را هم که لطف و دقت و باریک‌بینی‌هایشان به بهتر شدن اثر کمک کرد ارج می‌نهم و بهترین‌ها را برایشان آرزو می‌کنم.

وظیفه خود می‌دانم که از همه دانشجویان و طلابی که سال‌ها درباره مباحث این کتاب با آنها گفتگو داشته‌ام، از کارکنان دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام که اکنون عضوی از این خانواده علمی هستم و نیز از خانواده محترم خود نیز یاد کنم؛ به راستی واژگانی درخور برای سپاس از آنها نمی‌شناسم. در جهان امروز، حق‌مداران که همچون همیشه تاریخ اندک‌اند، مظلومانه در کناره‌ای به انتظار ایستاده‌اند تا شبانان صاحب قدرت، رمه خویش سیراب سازند تا شاید آنگاه، آنان هم بتوانند به بهره‌اندک خود در این جهان دست یابند. آنها سرمایه‌ای جز رگ پاییدن داشته‌های خود، پشتوانه‌ای کهن و ریشه‌دار و همزمان با آن، حیایی که بازدارنده آنها از آزمندی است، ندارند. امید است کارهای علمی ما گامی در مسیر کمک به آنها باشد، سزاست در پی هر گام که در این مسیر برمی‌داریم، برای آسودن به سایه‌ای پناه ببریم و هر یک در نهان با پروردگار خود چنین بگوییم: «رَبِّ اِنِّی لِمَا اَنْزَلْتَ اِلَیَّ مِنْ خَیْرِ فَقِیْرٌ».

محسن الویری

۳۱ مرداد ۱۳۹۷ عید اضحی ۱۴۳۹ ق